

شناخت اقوام ایرانی در بستر پژوهش‌های مردم‌شناسی ایران

■ مرتضی رضوانفر

عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

در این نوشته برآنیم تا سیر مطالعات و پژوهش‌های مردم‌شناسی را در نهادهای غیردانشگاهی ایران بررسی نماییم. اگرچه چکیده‌ای از آنچه در پی خواهد آمد، در پاسخ به پرسش‌های مکتوبی که آقای هاشمی مقدم برای گردآوری نظرات انسان‌شناسان درباره وضعیت انسان‌شناسی ایران برایم فرستاده بود، نوشته‌ام، لیکن بحث مفصل و دقیق‌تر، نوشته‌ای است که در پی می‌آید. اگر بگوییم عمده پژوهش‌های مردم‌شناسی ایران در هفتاد سال گذشته به شناخت و مطالعه اقوام سرزمین ایران گرایش داشته است، شاید سخنی بیهوده نباشد. این واقعیت را هم تحلیل و تفسیرهای آماری پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند و هم تحلیل محتوای آنها. شاید باز در نتیجه چنین گرایشی بود که اصطلاح «مردم‌شناسی» علیرغم نیت و مقصود بنیانگذاران مردم‌شناسی ایران که آن را در برابر آنتروپولوژی و Anthropology وضع کردند، در نگاه پژوهشگران دانشگاهی دهه‌های اخیر در مفهوم اتنولوژی ethnology و اتنوگرافی ethnography یعنی قوم‌شناسی و قوم‌نگاری بکار رفته و کوشش شد تا آنچه که صورت گرفته به عنوان امری سواي «انسان‌شناسی» و یا «آنتروپولوژی» تلقی گردد. به هر حال آنچه نزدیک به یک سده در ایران بویژه از سوی نهادهای دولتی و وابسته به دولت صورت گرفته است توجه ویژه‌ای به شناخت اقوام ایرانی داشته است که در زیر بر پایه دوره‌های تاریخی فعالیت‌های مردم‌شناسی بدان پرداخته می‌شود.

۱ - مفهوم «قوم‌شناسی و شناخت اقوام ایرانی» در نگاه بنیانگذاران مردم‌شناسی ایران:

در بند هفت ماده دوم اساسنامه فرهنگستان ایران مصوب ۲۹ اردی بهشت ۱۳۱۴ به عنوان کهن‌ترین قانون دولتی در حوزه مطالعات مردم‌شناسی، بر روی گردآوری فرهنگ عامه یا فولکلور «ولایتی» تاکید شده است که بیشتر مطالعه حوزه‌های فرهنگی جدای از فرهنگ غالب (فرهنگ مرکزی و رسمی) از آن مستفاد می‌شود، منظور اینکه برعکس نظر بسیاری از انسان‌شناسان ایران که فعالیت‌های مردم‌شناسی را موید چیرگی فرهنگ مرکزی بر فرهنگ‌های بومی می‌دانند، پژوهش‌های انجام شده، در مسیر شناخت و تثبیت حوزه‌های مختلف فرهنگی در استانهای کشور است. در دستورالعمل‌های مجلس مشورتی نهضت معارفی در اسفند ۱۳۱۴ که بنیاد مردم‌شناسی ایران پی‌ریزی شد، باز بر مفهوم گردآوری فرهنگ یعنی مخصوص هر ولایت و قوم و فولکلور «ولایتی» تاکید شده است و عبارت «جمع‌آوری و تدوین آداب و عادات و رسوم مخصوص هر ولایت» قید گردیده است. توجه مردم‌شناسی ایران به

شناخت اقوام ایرانی به بهترین وجهی در ماده اول اساسنامه موسسه مردم‌شناسی مصوب سیصد و پنجاه و هفتمین جلسه شورای عالی معارف در پاییز ۱۳۱۶، نمود یافته است، آنجا که آمده است: «وزارت معارف برای گردآوردن اطلاعات دقیق و اسناد حسی نسبت به اقوامی که در کشور ایران ساکن بوده و هستند و تحقیق زندگانی مادی و معنوی آنان از لحاظ مردم‌شناسی (انترپولوژی) موسسه‌ای بنام مردم‌شناسی تاسیس می‌کند.

محمد علی فروغی، غلامرضا رشید یاسمی و پرفسورها سه تن از بنیانگذاران مردم‌شناسی ایران در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود در فاصله سالهای ۱۳۱۴-۱۳۱۶ به ضرورت و اهمیت مطالعه اقوام ایرانی در مردم‌شناسی ایران توجه ویژه داشته‌اند. فروغی می‌گوید: نوع بشر از اقوام و ملل و قبایل و طوایف بسیار تشکیل شده که در کشورهای مختلف روی زمین پراکنده و ساکنند و هر کدام از این جماعات صفات و احوال بدنی و روحی مخصوصی دارند و معرفت کلیه احوال نوع بشر حاصل نمی‌گردد مگر اینکه چگونگی خصوصی هر قوم و طایفه داشته شود.

می‌آورد: «ایران کشور پهناوری است و خاک و آب و هوا و مناسبات و محیط زندگانی انسان در این کشور بسیار مختلف است در ایران هم گرمسیر هست و هم سردسیر و هم اماکن معتدل، هم کوهستان داریم و هم دشت و بیابان، هم جنگل و نقاط پر آب، هم جاهای خشک کم حاصل، با کشورها و اقوام بسیار مختلف همسایه و مربوط هستیم و مقتضیات زندگانی در هر گوشه این کشور با نقاط دیگر متفاوت است. گیلان حکمی دارد، کرمان حکم دیگر؛ آذربایجان مقتضیاتی دارد و خوزستان مقتضیات دیگر».

رشید یاسمی نیز از فوائد مردم‌شناسی و فولکلور را معرفت به اقوام بر می‌شمارد و می‌نویسد: وقتی که فرهنگ یک نژاد را توانستیم از روی فولکلور آن بشناسیم می‌توانیم تاثیر آن نژاد را در سایر اقوام بیابیم و حکم کنیم که فلان قوم تحت تاثیر فلان قوم واقع شده است. مطالعه نیز بر تنوع نژادی و قومی در ایران تاکید دارد و می‌نویسد: «در کشور ایران از دیرباز نژادهای مختلف زندگانی کرده و در نمادی‌ایم با یکدیگر مخلوط شده و تمدن بزرگ و گرانبهائی پدید آورده‌اند که شناختن آن برای علمای انسان-شناسی جزو اصول مسلمه و فرایض قطعی به شمار است».

در نخستین ویژه‌نامه مردم‌شناسی در مطبوعات فارسی که آذر ۱۳۱۷ در مجله آموزش و پرورش منتشر شد، گرایش به شناخت اقوام ایرانی دیده می‌شود و چهار مقاله از ۸ مقاله آن به قوم‌شناسی ایران و شناخت طبقات و قشرهای اجتماعی می‌پردازد.

موزه مردم‌شناسی به عنوان مهم‌ترین دستاورد دوره نخست فعالیت‌های مردم‌شناسی ایران، نمود واقعی و عینی تمایل بنیانگذاران به شناخت اقوام ایرانی است زیرا در این موزه کوشش شد تا لباس و ابزار زندگی اقوام ایرانی با دقت گردآوری و طبقه‌بندی شود.

بر پایه آنچه اشاره شد می‌توان گفت تا پیش از شهریور ۱۳۲۰، فعالیت‌هایی که به عنوان مردم‌شناسی در ایران صورت گرفت هم در عمل و هم در نظر به حفظ و شناسایی فرهنگ اقوام ایرانی گرایش داشت و به هیچ رو در پی گسترش فرهنگ رسمی و چیرگی آن بر فرهنگ بومی نبود.

۲ - دهه‌های ۳۰ و ۴۰، نخستین تحقیقات میدانی قوم‌نگاری و شناخت اقوام ایرانی:

اگرچه در نیمه اول دهه ۳۰ به علت پریشانی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم فعالیت‌های مردم‌شناسی ایران متوقف شد ولی از ۱۳۳۵ به بعد با همت علی‌هانپیان کار موزه مردم‌شناسی و تلاش برای پژوهش‌های میدانی رونق گرفت. در این روزگار بر روی مردم الموت و یزد بویژه زرتشتیان پژوهش‌هایی صورت گرفت.

هانپیان در مجله مردم‌شناسی که سالهای ۱۳۳۵-۱۳۳۷ منتشر کرد، باز به مسئله شناخت اقوام ایرانی توجه داشت و تعدادی مقاله در این زمینه به چاپ رسانید.

در دهه ۳۰ موزه مردم‌شناسی به همت یکی دیگر از مهاجران قفقازی بنام زاکاتالی یا کاتگالی تحولی بنیادین یافت و مجسمه‌های کاغذی ساخت استاد پاپوف روسی که به خوبی چهره اقوام ایرانی را نمایش نمی‌داد، جای خود را به هنر واقع‌گرایانه زاکاتالی داد که به کمک موم توانست برای اولین بار چهره اقوام ایرانی را براننده لباس فاخرشان عینیت ببخشد. از اینرو کار او و شاگردان ایرانی‌ایشان بویژه جمال میربایی گام بلندی در ثبت سیمای اقوام ایرانی و

حفظ جزئیات فرهنگی آنها است. این واقعیت را در سنجش آثار موزه مردم‌شناسی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ به خوبی می‌توان دریافت.

در ۱۳۳۷ فعالیت‌های مردم‌شناسی از موزه مردم‌شناسی جدا شد و به همت دکتر صادق کیا اداره فرهنگ عامه در اداره کل هنرهای زیبای کشور تشکیل شد. از جمله ویژگی‌های کار دکتر کیا اقدام به اولین دوره مردم‌نگاری منظم و علمی در دهه ۴۰ است. او در پی یک برنامه ده ساله برای مردم‌نگاری و مطالعه میدانی مردم‌شناسی در ایران بود و در گزارشی که به سال ۱۳۴۸ منتشر کرد، مدعی شد تیمی از دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف علوم انسانی را فراهم آورده است و در هشت گروه سه نفری ساماندهی نموده تا پنج گروه در حوزه شهری و روستایی و سه گروه در حوزه‌ایلی و عشایری به تحقیق پردازند. پژوهشگران مورد اشاره دکتر کیا بعدها به چهره‌های برجسته مردم‌شناسی و فرهنگ‌ایران در دهه‌های بعد تا زمانه ما تبدیل شدند و توانستند آثار ارزشمندی بویژه در حوزه مردم‌شناسی اقوام ایرانی بر جای بگذارند. هوشنگ پورکریم، دکتر علی بلوکباشی، دکتر یوسف مجیدزاده، بیژن کلکی، حسین کسبیان، مصطفی صدیق و... در این دوره تلاش چشمگیری انجام دادند. بر پایه گزارش‌های موجود آنها در فاصله سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ توانستند ۳۵۷ روستا را به طور نمونه‌ای و ۲۸ روستا را به منظور تهیه مونوگرافی مورد بررسی و پژوهش قرار دهند. نقاط پژوهش شده در سراسر کشور پراکنده بود و کوشیدند توازن و تعادل را در مطالعه اقوام ایرانی رعایت کنند.

دهه‌های ۴۰ در کنار فعالیت‌های مردم‌شناسی اداره فرهنگ عامه، دو مرکز دیگر یکی مرکز فرهنگ مردم NGO به همت زنده‌یاد انجوی شیرازی در رادیو و موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تلاش ارزنده‌ای در حوزه‌های مختلف مردم‌شناسی ایران به ثمر رساندند. انجوی توانست بزرگترین NGO تاریخ مردم‌شناسی را شکل بدهد و به یاری مردم بومی فرهنگ بومی اقوام ایرانی را گردآوری کند که امروزه آرشیو او گنجینه‌ای ارزشمند برای شناخت اقوام ایرانی و فرهنگ آنها است. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی نیز به عنوان اولین مرکز پژوهشی دانشگاهی در حوزه مردم‌شناسی ایران خدمات بزرگی به پیشبرد و نهادینه کردن مردم‌شناسی ایران کرد.

۳- دهه ۵۰، پیدایش مرکز ملی مردم‌شناسی و فرهنگ عامه:

سرانجام در ۱۳۵۲ مردم‌شناسی ایران تجدید ساختار یافت و مرکز ملی پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران پدید آمد. در همان بند اول وظایف مرکز بر مطالعات قوم‌شناسی تاکید شده است: «اجرای تحقیقات منظم مردم‌شناسی و مردم‌نگاری و انسان‌شناسی فیزیکی و فرهنگ عامه در سراسر کشور مانند شناخت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیط‌های روستایی، شهری و ایلی».

این مرکز دارای شش بخش تحقیقاتی بود که دو بخش تحقیقات روستایی و تحقیقات ایلی آن وظیفه شناخت و بررسی اقوام ایرانی را بر عهده داشت. شیوه کار نیز اعزام پژوهشگران در تیم‌های چهار نفره بود که با تجهیزات لازم به مناطق می‌رفتند و از راه مشاهده، مصاحبه و مشارکت فرهنگ قومی ایران را گردآوری و ثبت می‌کردند.

مرکز ملی پژوهش‌ها در طی فعالیت پنج ساله خویش مطالعات و بررسی‌های ارزشمندی در حوزه اقوام ایرانی و مردم‌شناسی ایران انجام داد که تنها اندکی از نتایج آنها منتشر شد و بیشترین مواد هم اکنون در قالب فیلم، عکس، اسلاید و گزارش در مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی نگهداری می‌شود. از دیگر دستاوردهای آن مجله وزین مردم‌شناسی و فرهنگ عامه به سردبیری دکتر بلوکباشی است که در آن نیز تحقیقات قوم‌شناسی جایگاه خود را دارد. بطوری که در ۳ شماره چاپ شده آن تعداد ۱۶ مقاله درباره اقوام ایرانی و فرهنگ آنها دیده می‌شود.

۴- کارنامه مرکز مردم‌شناسی و پژوهشکده پس از انقلاب اسلامی:

اگرچه به سبب جنگ و شرایط سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب پژوهش‌های مردم‌شناسی فروکش کرد ولی مرکز مردم‌شناسی می‌توانست تشکیلات خود را در زیرمجموعه وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد اسلامی حفظ کند و در سال ۱۳۶۷ به پژوهشکده تبدیل شود و فعالیت‌های خود را در دهه ۷۰ گسترش دهد.

پس از انقلاب اسلامی به ضرورت گفتمان قرآنی «وخلقناکم من ذکرواشی.....یتعارفوا» تنوع قومی به منظور شناخت بهتر مردم از یکدیگر امری ضروری و محترم شمرده شد و پرداختن از میهن و بدنبال آن پیش آمدهای بحث توسعه و سازندگی، عواملی بودند که در رونق‌گیری مطالعات مردم‌شناسی بویژه شناخت اقوام ایرانی موثر افتاد در نتیجه پژوهشکده مردم‌شناسی فعالیت‌های گسترده‌ای آغاز کرد که در اینجا تنها به آن بخش که حوزه شناخت اقوام ایرانی ارتباط دارد اشاره می‌شود.

۱ - انجام طرح ملی و بزرگ «مردم‌نگاری سرزمین» که بیش از یک دهه زمان صرف آن شده است و با انجام ۲۶۶ طرح مردم‌نگاری و بازنگری آنها تقریباً تمام شهرستانها و حوزه‌های فرهنگی ایران مطالعه و بررسی شده‌اند که انتشار نتایج آنها نیز آغاز شده است.

۲ - گذشته از مردم‌نگاری‌ها تعداد ۵۲۶ جلد پژوهش موضوعی در حوزه‌های مختلف مردم‌شناسی ایران صورت گرفته است که باز از این تعداد ۳۴۲ پژوهش به طور مستقیم در حیطه شناخت اقوام ایرانی است. توزیع پژوهش‌های یاد شده به شرح زیر است:

۳ - در کنار پژوهش‌های انجام شده، پژوهشکده تاکنون ۱۱۴ جلد کتاب منتشر کرده است که از این تعداد، ۶۶ جلد به طور مستقیم مربوط به شناخت اقوام ایرانی است.

۴ - توجه یونسکو به میراث معنوی سبب شد تا در پژوهشکده مطالعه میراث معنوی اقوام رونق تازه‌ای در چهارچوب ضوابط کنوانسیون یونسکو بگیرد و هم اکنون مطالعه وسیعی برای گردآوری مدارک و ثبت آیین‌های بومی در یونسکو آغاز شده است.

ردیف	عنوان	تعداد	ردیف	عنوان	تعداد
۱	آئین‌ها و مراسم	۳۶ جلد	۱۵	زنان	۷ جلد
۲	ادبیات شفاهی	۱۸ جلد	۱۶	سنگ مزار	۶ جلد
۳	اسب	۲ جلد	۱۷	عشایر	۱۲ جلد
۴	اماکن مقدس	۸ جلد	۱۸	فن‌آوری بومی	۲۳ جلد
۵	انسان و آب	۲۲ جلد	۱۹	قصه و حماسه	۲۶ جلد
۶	بازار	۷ جلد	۲۰	قوم‌پژوهی	۹ جلد
۷	بازی و ورزش	۱۴ جلد	۲۱	مردم‌شناسی	۵ جلد
۸	پوشاک	۳۶ جلد	۲۲	مساکن سنتی	۱۰ جلد
۹	خوراک	۸ جلد	۲۳	موردی	۲ جلد
۱۰	دانش آسمان	۶ جلد	۲۴	موزه	۲ جلد
۱۱	دانش پزشکی	۱۵ جلد	۲۵	موسیقی و هنر	۲۰ جلد
۱۲	دانش عمومی	۹ جلد	۲۶	واژه‌نامه	۵ جلد
۱۳	راه‌ها	۲ جلد	۲۷	هویت و فرهنگ	۱۱ جلد
۱۴	زعفران	۱ جلد	۲۸		

۱۵۰۰ فهرست / ۵۰۰ پرونده

۵- اطلس‌نگاری و تهیه اطلس‌های قومی از دیگر فعالیت‌ها و رویکردهای پژوهشکده بوده و هست که تاکنون اطلس پوشاک کار شد و بخش سربندهای آن در حال آماده شدن برای انتشار است.
۶- همایش‌ها، سمینارها و برگزاری کارگاه‌های آموزشی پژوهشی از دیگر فعالیت‌های پژوهشکده است که در آنها مسئله توجه به اقوام و معرفی آنها جایگاه ویژه خود را داشته است.

۵- کارنامه گروه‌های خارج از پژوهشکده:

- مجله تحقیقاتی «عشایر: ذخایر انقلاب» یکی از پایدارترین نشریات تخصصی در حوزه مردم‌شناسی ایلی و عشایری ایران است که از ۱۳۶۶ تا امروز سهم درخوری در شناخت بهتر اقوام ایرانی داشته است.
- موسسات تحقیقاتی نهادهای دولتی و امنیتی کشور نیز به ضرورت مسائل امنیتی، توسعه و سیاستگذاری‌های فرهنگی کشور تلاش‌های ارزنده‌ای برای شناخت اقوام ایرانی انجام داده‌اند که از جمله باید از موسسه مطالعات ملی، مرکز تحقیقات راهبردی، دفت امور اجتماعی وزارت کشور و... یاد کرد.
- رادیو و نیز واحد فرهنگ مردم انجوی که هم اکنون دو مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما فعالیت دارد، همچنان به رسالت ملی خود برای شناخت و معرفی اقوام ایرانی ادامه داده است.
- علاقه‌مندان و گروه‌ها و افراد غیر وابسته به دولت بویژه در دهه اخیر تلاش فراوانی برای شناخت فرهنگ بومی اقوام ایرانی کرده‌اند که از این جمله باید از فعالیت‌های آقای سید احمد و کیلیان در فصلنامه «فرهنگ مردم» و سرکارخانم دکتر شهشهانی در انتشار مجلات «انسان شناسی» و «انسان و فرهنگ» یاد کرد.
- گروه‌های دانشگاهی با گسترش رشته انسان‌شناسی در دانشگاه‌های دولتی و آزاد، مردم‌شناسی ایران رشد خوبی در زمینه آموزش نیروهای بومی داشت. دانش‌آموختگان این دانشکده‌ها که بیشتر بومی هستند در حفظ فرهنگ قومی خود تلاش چشمگیری انجام داده‌اند.

۶- تحلیل روند کلی قوم‌نگاری و مطالعات اقوام در ایران:

- شناخت اقوام مورد نظر بوده و تاکنون مطالب و مدارک فراوانی در این زمینه گردآوری شده است ولی کار تحلیل و نظریه-پردازی آنها آغاز نشده است.
- تکیه بر مشترکات قومی
- پرهیز از قوم‌مداری و تلاش برای شناخت اقوام غیر ایرانی سرزمین ایران
- بکارگیری رویکرد وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت برای مطالعه اقوام ایرانی رهیافت کارآمدی در پژوهش‌های مردم‌شناسی ایران در آینده می‌تواند باشد.